

لباس ایرانیان در عصر صفویان

لباس ایرانیان از قدیمترین ایام تا کنون تحولات و تغییرات فراوان یافته و تاریخچه‌ای بس جالب و شیرین پیدا کرده است. نظر باینکه لباس هر مردمی نماینده سلیقه و انتخاب آنهاست، «هنر و مردم» در نظر دارد در فرصت‌های مناسب، بی‌زحمت ترتیب قدم و تأخر زمانی و بطور مختصر، وضع پوشاک مردم یک عصر از تاریخ ایران را معرفی نماید و اینک برای فتح باب این بحث مختصری راجع بوضع لباس مردان و زنان عصر صفوی باخوانندگان گرامی صحبت میدارد.

لباس مردان عصر صفوی:

مردان دوره صفوی معمولاً قبای دربر میکردند که بلندی آن بزرگ‌تر از اوایل آنها میرسید. پارچه این جامه‌ها بیشتر از پارچه‌های لطیف و نازک انتخاب میکردند ولی میان آنها با پنبه «آجیده» یا «قتله کشی» میکردند و در فصل تابستان که هوا گرم میشد از قباهاهایی که کمتر پنبه داشت و در نتیجه نازک‌تر و سبک‌تر بود استفاده می‌نمودند. آستین این نوع قبا بلند و تنگ بود و درازی آن تا پشت دست میرسید. بدنه آن نیز از بالا تنگ و چسبیده به بدن بود و از کمر گاه که میگذشت بشدریچ کشادتر میشد.

لباس مردان عصر صفوی



طرفین قبا هنگام پوشیدن بروی همدیگر می‌آمد و طرفی که در زیر واقع میشد در زیر بغل چپ و طرف دیگر که از روی آن میگذشت در زیر بغل راست بوسیله دو بند یا قیطان نظیر همدیگر گره خورده بسته میشد و در برخی قباها نیز در زیر بغلها درزی جهت جلو گیری از عرق و بمنظور تهویه می‌گذاشتند.

روی قبا بجای کمر بند یک شال ابریشمی که هر دوسر آن با گل و بونه یا جقه زربفت زینت میشد بسته و روی آن یک شال گرم‌تر اضافه میکردند بطوریکه گاهی بعضی از بزرگان تا سه شال رویهم بدور کمر خود می‌پیچیدند که دوتای زیرین ابریشمین و نازک و سومی از شال پشمی و اعلای کرمان بود.

در زیر قبا نیز یک «روپراهنی» از پارچه پنبه‌ای گلداز و در زیر آن پیراهنی از ابریشم رنگین می‌پوشیدند.

زیر شلواری علیحده در این دوره معمول نبود فقط یک شلوار از پارچه نازک پنبه‌ای رنگین می‌پوشیدند که بوسیله بند شلوار ابریشمین زیبایی آن که از لیفه آن



میگذشت در دور کمر محکم میشد .
دوسر این بند شلوار به منگوله‌ها و ریشه‌های
بافتنی و گره خورده منتهی میشد و بلند
شلوار نیز تا نوک پامبرسید .

روی قبا نیم تنه جنسایی می پوشیدند
که فقط بوسیله یک دکمه بسته میشد
ولی معمولاً در جلو سینه سه زربف دکمه
داشت که هیچوقت بسته نمیشد و تنها برای
زیفت و آرایش جامعه بود .

پادشاهان و متمولین دکمه‌های این
نیم تنه را اغلب از جواهرات یا سنگهای
گران بها انتخاب میکردند .

پارچه نیم تنه با ازماهوت بود یا از
زری در زمستان آستر آنرا از پوست خز
یا پوست بره خاکستری خراسان میدوختند .

بعلاوه در فصل زمستان بر روی اینها
پالاهوشی از پوست می پوشیدند که بلندی
آن تا پاشنه پامبرسید و آستینهای آل

نیز همان بلندی بود . برای دوخت این
بالا پوش متمولین اغلب از پوستهای قیمتی
مانند خز و سنجاب و سمور که از مسکو

می آوردند و متمولین از پوستهای بره‌های
شیرخوار یزد و کرمان و دیگران از پوست
گوسفند و روباه و غیره استفاده میکردند .

لباس اندرون زنان عصر صفوی

پوست روباه چون از نظر مذهب گناهت دارد جزو پوستهای پست محسوب میشد .

مردان عهد صفوی اغلب بجای کلاه بدور سر خود دستلری از پارچه‌های قیمتی
ابریشمی میبجیدند . در دستار بزرگان که از ابریشم زربفت بود اغلب مقدار زر از
ابریشم بیشتر بود، از این رو گاهی سنگینی میکرد و بار گزانی بر دوشان بود. گاه در مواقع
رسمی و جشنها و مهمانیها دستار خود را با جواهرات گران بها زیفت و زیور میدادند .

بزرگان در بار و سپاهیان از بزرگ و کوچک خنجر می دلای شال کمر خود نصب
میکردند که قیمت و آرایش آن سنگینی باشان و مقام صاحبش داشت. دسته و غلاف کم بها ترین
خنجرها با نقره مزین میشد ولی بزرگان جواهرات قیمتی به قیسه و غلاف آن می‌نشاندد.
شاهزاده‌ها و شاهزاده خاندها معمولاً دو قیسه خنجر از چپ و راست به کمر خود نصب
میکردند .

جوراب بمعنی امروزی در آن روزگار معمول نبود ، عامه مردم نوار یا منج بیچی
از پشم بز بطول دومتر و عرض ده سانتیمتر دور ساقهای خود میبجیدند و پنجه‌ها در داخل
کفش برهنه میبندد. فقط در فصل سرما و زمستان بود که بکتوع جوراب دوخته از پارچه

(مانند جورابه‌های چاقجوری که تا این اواخر معمول بود) دریا میکردند و دور پاشنه آنرا نیز بایک تکه چرم که بعرض دو انگشت از کف پاشنه بدور پامیکشت وصله مینمودند. این کار برای آن بود که از پاره شدن جوراب جلوگیری کنند زیرا کفشها بیا تمیجید و در راه رفتن پاشنه آن به پاشنه جوراب سائیده میشد و آنرا پاره میکرد. بعدها جوراب بافته شبیه جورابه‌های امروزی بر اثر تجارت با برتالیان و اسپانیاییها در ایران معمول گردید. پیش از آن حتی بزرگان نیز از جورابه‌های پارچه‌ای که اغلب زربفت بود بکار می‌بردند. طول این جورابها گاهی کوتاه بود که نامچ یا میرسد و گاهی نیز بلند بود که تا وسط ساق پا کشید میشد. دهانه و نوک و روی پنجه آن هم با قلاب دوزی و نقره دوزی مزین میشد.

بزرگان و سپاهیان اغلب چکمه‌های نرم از ساغری در پا میکردند و کفش عامه مردم همچون کفشهای راحتی یا نعلین بود که از ساغری یا تپناج دوخته میشد، پاشنه نداشت و در محل پاشنه آن نعل آهنین میکوبیدند و چون هنگام رفتن بدون اطاق می‌بایست کفشهای خود را از پا در آورند از اینرو کفشهای پست باز برای آنها بسیار راحت بود. از لحاظ وضع ظاهری سر و صورت نیز باید گفت که مردان عموماً سر خود را می‌تراشیدند و مقدسین ریش میگذاشتند و گاهی کسه طول آن از یک قبضه بیشتر میشد با قیچی میزدند و عده بسیار معدودی بتقلید از روحانیون کشور عثمانی آن زمان ریش بلند میگذاشتند ولی درباریان و سپاهیان ریش خود را از بیخ می‌تراشیدند و تنها یک چفت سیل کلفت و بلند می‌گذاشتند و آنرا مایه افتخار و تنها زینت صورت مرد محسوب میداشتند.

لباس بیرون زنان عصر صفوی

لباس زنان عصر صفوی:

زنان دوره صفوی لباسهای گرانبها و فاخر در بر میکردند. لباس روی آنها مانند مردان اغلب یک تکه بود و عموماً پالانته آن از یابین تنه و دامن جدا میشد و رو به پرتابه چندان تفاوتی جز در چند مورد با لباس مردان نداشت.

قیای زنان در جلو زیر گلو باز میشد و طول آن نامچ یا میرسد. زنها کمرشان را محکم نمی بستند و آستینشان تنگ بود بطوری که بدست و بی‌زور می‌چسبید و تا پشت دست می‌آمد.

کلاه کوچکی بشکل برج یا عرقچین بر سر میگذاشتند که بوسیله بندی در زیر گلو نگاهداری میشد و هر کس بسته بشان و نمود خود کلاهش را با جواهر یا زینت آلات دیگر آرایش میداد.



برخی از زنان از زیر کلاه مقنعه، نوز و یا چارقد ابرشمن بطرف پشت آویخته و کیوان خود را نیز بافته روی شانه هایشان میریختند که بسیار بر زیباییشان می‌افزود.

شلوار زنان نیز همچون شلوار مردان بود و نا پاشتها میرسید و کفشان نیز با کفش مردان چندان فرقی نداشت مگر از حیث رنگ که زنها اغلب کفشهای رنگارنگ میپوشیدند که بیشتر سرخ و زرد و سبز و بنفش بود.

هنگام بیرون رفتن از خانه که بندرت اتفاق میافتاد برای آنکه چشم نامحرم بصورت آنها نیفتد چادر بزرگ و گشادی بر سر میکردند که تمام بدن و صورت آنها را میپوشاند و تنها در قسمت جلو صورت برابر چشمها باز میماند که بدابوسیله می‌توانستند جلوهای خود را ببینند.

رو بهمرقته مردم این دوره چرمرد و چغزن علاقه فراوانی به لباسهای رنگارنگ و گلدار و زربفت داشتند. گذشته از زنها اغلب مردها هر قسمت از جامه هایشان یک رنگ بود مثلاً دستار یک رنگ، نیم تنه یک رنگ، قبا یک رنگ دیگر، پیراهن و شلوار بر رنگهای گوناگون و گلدار و کفش بر رنگهای مختلف.

شال کمر و دستار را حتماً از پارچه های گلدار و طریف یا زربفت اشخاب میکردند و فقط ملاحا شال کمر و عمامه شان یک رنگ و اغلب سفید بود.

بسی زیاده



مجله علمی و ادبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

